**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه بیست و ششم\_10 آذر 1398**

مرحوم شیخ فرمایشی را که علی الظاهر از مرحوم خوانساری است نقل و نقد می کند که مرحوم خوانساری از راه دیگری برای بطلان احتیاط پیش آمده است، یکی این بود که احتیاط استحباب دارد که جوابش را دیروز دادیم و دوم این که عمل به احتیاط مخالف احتیاط است چون احتیاط در رعایت قصد و جه است و عمل احتیاطی قصد وجه در آن میسر نیست چون نمی دانم واجب کدام است که قصد وجوب کنم، اینجا شیخ اعظم قدس الله نفسه الزکیه 4 اشکال می کند اگر چه مدعی را قبول دارد که احتیاط نه منتهی از راه عسر و حرج و اجماع امد نه از این راه.

اشکال اولش این است که اساسا چه کسی گفت قصد وجه معتبر است؟ این فرمایش برخی از متکلمین است که نه در اطلاقات ادله شاهد دارد نه در سیره مسلمین شاهد دارد و نه در سیره معصومین سلام الله علیهم اجمعین شاهد دارد. پس اساس اعتبار قصد وجه هیچ دلیل معتبری برش نیست. منتها حال نمی خواهیم بین دعوا نرخ تعیین کنیم، تنزل می کنیم می گوییم قصد وجه معتبر است.

اشکال دوم؛ سلمنا که قصد وجه معتبر است اما کجا معتبر است آنجا که تو بتوانی امتثال تفصیلی انجام بدهی. آنجا که دلیل داشته باشی بر اینکه این عملت واجب تو است فقط. من اگر یقین کردم که قبله این جهت است این جا نماز را به قصد وجوب می توانم بخوانم اما اگر در مورد قبله مردد بودم این جا هم باز قصد وجه معتبر است؟ این را دیگر دلیل ندارم . اگر من دلیل داشتم که نماز جمعه فقط واجب است نه ظهر. آن وقت قصد چه می کردم؟ قصد وجوب اما اگر مردد هستم که ما هو الواجب جمعه است یا ظهر؟ نمی توانم قصد وجه کنم چطور می گویید قصد وجه در اینجا واجب است؟

آنجایی که احتیاط برای انسدادی مطرح می شود می گوییم آقای انسدادی احتیاطی شد نه عمل به ظن، در احتیاط اشکال نکن که قصد وجه میسر نیست، می گوییم قصد وجه میسر نیست چون وجه را نمی دانم و کی گفت آن جا که وجه را نمی دانی باز هم قصد وجه واجب است. این بخشی از اشکال دوم که من در ضمنش بخش دوم را هم گنجاندم. اگر من به جای شیخ بودم این اشکال را دو تا می کردم .

می گفتم اگر قصد وجهی هم معتبر باشد که نیست مال انجایی است که شناختن وجه ممکن باشد و ان جا که عمل احتیاطی است، شناخت وجه ممکن نیست. پس قصد وجه اگر دلیل داشته باشد در بحث ما ساری و جاری نیست. اشکال بعدی به تعبیر بنده این است که اگر قصد وجه ممکن باشد در انجایی است که امتثال تفصیلی ممکن باشد اما انجا که امتثال تفصیلی ممکن نیست، کی گفته قصد وجه معتبر است و آنی که احتیاطی می شود می گوید امتثال تفصیلی ممکن است. در جایی که من احتیاطی می گویم احتیاط امتثال تفصیلی میسر نیست که می گویم احتیاط. این هم اشکال دوم که ما دو اشکالش کردیم. این را شیخ خیلی تفصیلش داده است اما من ساده و عصاره و خلاصه اش را بیان کردم.

تا الان شیخ دو اشکال کرد یکی این که مطلقا دلیلی بر لزوم قصد وجه نداریم . و دوم اگر هم دلیل داشته باشیم مال آنجایی است شناخت قصد وجه ممکن باشد و بنابر احتیاط ممکن نیست.

اشکال سوم؛ ممکن است کسی بگوید اذا دار الامر بین الامتثالین الامتثال التفصیلی و لو کان ظنیا و الامتثال الاجمالی و لو کان علمیا ممکن کسی بگوید الامتثال الظنی اگر تفصیلی باشد مقدم است بر امتثال اجمالی اگر علمی باشد.

می گوید تو یک عبادت انجام بده تفصیلا و لو آن عبادت ظنی باشد این خیلی بهتر است از این که بیایی احتیاط کنی و دو عمل انجام بدهی که یکیش در عالم واقع واجب است. اگر کسی این را بگوید می گوید چرا می گویی قصد وجه ممکن نیست، قصد وجه ممکن است تو برو سراغ امتثال تفصیلی و لو ظنی نمی خواهد بروی سراغ امتثال اجمالی .

اگر کسی به من شیخ انصاری این گونه گفت می گویم اینجا جای جمع داریم که من هم ظن در مساله داشته باشم و وجه برم میسر باشد و هم عمل بر احتیاط بکنم، من شیخ یک پله پایین می آیم و می گویم بسیار خب قصد وجه معتبر است و نباید قصد وجه به هیچ وجه من الوجوه کنار گذاشته شود، منتها شما چرا بین قصد و جه و عمل به احتیاط تضاد و تعارض می اندازید من می گویم ممکن است قصد وجه باشد تا کلام شما در مورد قصد وجه خراب نشود و هم عمل به احتیاط بشود این قابل جمع است چرا میایی بین این دو تفکیک می کنی و می گویی اگر قصد وجه باشد دیگر احتیاط نیست؟

مثلا اذا حصل الظن بوجوب القصر فی ذهاب اربعة فراسخ . این را از روایات استفاده می کنم و نماز قصر می خوانم به نیت ظنی وجوبی.

وجوبی می شود قصد وجه.

اما حال می خواهم احتیاط کنم و یاتی بالاتمام بقصد القربة احتیاطا، مشکلی من بر می خورم، می گویم شاید تکلیف واقعی چهار رکعتی باشد.

وکذلک اذا حصل الظن بعدم وجوب السورة فی الصلاة فینوی الصلاة الخالیه من السوره منتهی علی وجه الظنی الوجوبی

قصد وجهم انجام شد

ثم یاتی بالسورة قربة الی الله للاحتیاط.

رابعا؛ لو اغمضنا عن جمیع ما ذکرنا شما می خواهید بگویید ظن حجت نیست دیگر، من هم قائلم ظن حجت نیست از این طرف آیا علم اجمالی به وجود واجبات و محرمات آیا داریم. این علم اجمالی را که نمی توانید منکر شوید که. چون ما داریم بر طبق مسلک انسدادی پیش می رویم شما هم بر همین طبق جلو بیایید. علم اجمالی می گوید تو واجبات و محرماتی داری و مقتضای این علم اجمالی احتیاط است و این احتیاط واجب است تو قصد وجوب و قصد وجه کن منتها قصد وجه و وجوب احتیاط.

این جا توضیح من هم از متن است و هم در پاورقی که در برخی از نسخه های رسائل هست. اما کی گفت قصد وجه واقعی معتبر است ؟ ممکن است چیزی واجب باشد ظاهرا، قصد وجوب ظاهری بکن کافی است دیگر اگر احتیاط در اطراف این علم اجمالی لازم است همین که تو قصد وجوب می کنی هم در این نماز و هم در ان نماز در هیچ کدام قصد وجوب واقعی نمی کنی. قصد وجوب ظاهری می کنی و این وجوب ظاهریت برخواسته از آن احتیاط است. کی گفت قصد وجوبت برخواست از ان قصد وجوب واقعی باید باشد.

فتحصل مما ذکرنا ان العمدة فی رد الاحتیاط هی ما تقدم من الاجماع و لزوم العسر دون غیره

به عبارت بنده فتحصل مما ذکرنا ان العمدة فی رد الاحتیاط هو المانع عن العمل بالاحتیاط و المانع هو الاجماع و لزوم العسر و الا فالمتقضی للاحتیاط موجود، لوجود علم الاجمالی بوجود الواجبات و المحرمات فی الوقایع المشتبه، فلا یجوز ترک الاحتیاط بدلیل استحبابه و لا یجوز ترک الاحتیاط بدلیل لزوم قصد الوجه

این خلاصه ایی است که بنده از کلام شیخ برداشت کردم.

حال از اینجا بحث جدیدی شروع شد، ان شاء الله فردا.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.